

بهترین قصه‌های تاریخی تهران جایزه می‌گیرد

صفحه «قصه‌های تهرون» که پیش روی شماست، از این پس به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق خواهد داشت با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیروز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر می‌کند و به شما «همشهریان همراه» جایزه‌ای شایسته هدیه می‌دهد. نشانی و شماره تماس ما: ۴۴۶ و ۲۳۰۲۳۴۵۵، mahalleh.tehran@gmail.com

ماجرای یکی از آثار تاریخی پایتخت

توپ مروارید در تهران

اگر به خیابان سسی تیسر بروید، از پشت نرده‌های ساختمان وزارت امور خارجه یک توپ جنگی قدیمی معروف به توپ مروارید می‌بینید که ظاهرش چندان تماشایی نیست اما قصه خواندنی‌ای دارد. این توپ جنگی که پیش به هیچ جنگی باز نشده، برای زنان تهرانی در دوره قاجار قابل احترام بود و به آن پارچه می‌بستند تا گرفتاری‌هایشان رفع شود. در برخی مناسبت‌ها مثل چهارشنبه‌سوری هم، دور تادور توپ مروارید غلغله‌ای از زنان ناز و دختران دم‌بخت بود که از زیر توپ رد می‌شدند و باور داشتند که اگر دل‌شان صاف و بی‌غل‌وغش باشد، مراد خود را از توپ مروارید می‌گیرند. جالب اینجاست که توپچی هم از زن‌ها حق حساب می‌گرفتند.

اما توپ مروارید از کجا آمده بود؟ تهرانی‌های قدیم



این روایت تهران را با اسکن این کد پیوند.



این روایت تهران را با اسکن این کد پیوند.

ناصرالدین شاه: شتر و قاطر صد هزار مرتبه از قطار بهتر است!

آیا می‌دانید از چه روزی ساخت راه‌آهن آغاز شد و اصلاً بحث قطارهای شهری از چه زمانی در ایران بر سر زبان‌ها افتاد؟ اینطور که در منابع تاریخی آمده محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، در خاطراتش نوشته است: «وزیر امور خارجه وارد شد. تعریف پروتست روتر آرویترا را در باب قرارنامه راه‌آهن جدید و اظهارات سفارت انگلیس بیان کرد. قرار شد سه‌شنبه به این کار برسیم. تفصیل روتر و راه‌آهن مفصل است. ان‌شاءالله خواهیم نوشت.» و مدتی بعد نوشت: «شندیم قرارنامه راه‌آهن ما بین دولت ایران و وزیر مختار نیگی دنیا [آمریکا] بسته شده و مشیرالدوله در نوشتن این قرارنامه یکصد هزار تومان مداخل کرده است.» ناصرالدین شاه قاجار که بسیار دمدمی مزاج بود، پس از آنکه ماکت راه‌آهن را ملاحظه کرد، واکنش جالبی از خود نشان داد. اعتمادالسلطنه



این روایت تهران را با اسکن این کد پیوند.

محله روس‌ها در پایتخت!

برای کنکاش در تاریخچه دروس و رمزگشایی از نام آن باید از محله‌ای که امروز یکی از محله‌های اعیانی تهران است فاصله گرفت و به دوران حکومت محمدشاه قاجار سفر کرد. محمدشاه به سفیران روس و انگلیس اجازه داده بود در اراضی روستاهای خوش آب و هوای قلهک و زرگنده برای خود سکوگاه‌هایی بسازند. روس‌ها، روی محدوده جنوبی محله الهیه و زرگنده امروزی دست گذاشتند و باغ روس را برای خود ساختند. انگلیسی‌ها هم سراغ محدوده حاشیه جاده قدیم شمیران رفتند و برای خود باغی بزرگ دست و پا کردند. در این دوران که روس‌ها و انگلیس‌ها با اجازه شاه قاجار در اراضی شمال تهران برای خود اقامتگاه می‌ساختند، دروس که قدمت کمتری از آبادی‌های اطراف خود داشت درامی بود با تپه ماهورهای فراوان



این روایت تهران را با اسکن این کد پیوند.

دوقلوهای به هم چسبیده در محله گلابدره

روی این دوقلوهای سنگی کارگر نبود؛ نه تیشه‌ای آن را می‌تراشید و نه دستگاهی از مسیر شیب‌دار به آن بالا می‌رسید که سنگ‌ها را خرد کند. برای همین سنگ دوقلو ماند و نخستین ساکنان این محدوده که دور تادورش خانه ساختند. از سال ۱۳۵۷ هم به تدریج ساخت‌وساز در اطراف سنگ دوقلو و بالادست محله گلابدره رونق گرفت و حالا دیگر این دوقلوه‌ها در میان خانه‌های اطراف پنهان نشده‌اند. با وجود این، سنگ دوقلو هنوز هم مثل گذشته برای کودکان محله گلابدره مثل یک هم‌محله‌ای مهربان است و غروب‌ها بچه‌ها روی سطح صاف دوقلوهای سنگی می‌نشینند و از شمالی‌ترین نقطه تهران، چراغ‌های روشن شهر را که مانند فرشی گسترده زیر پای گلابدره پهن شده است، تماشا می‌کنند.



این روایت تهران را با اسکن این کد پیوند.

این کبوترخانه، روزگاری عوارضی بود

نمک، آجر و... از این محل رد می‌شد حتما باید باج و خراج می‌دادند و در یک کلام مجبور به پرداخت عوارض ناچیزی می‌شدند، چیزی شبیه عوارضی‌هایی که در بین شهرها وجود دارد. جنس برجک از بتن آرمه بود و مهندسان آلمانی آن را ساختند. انطور که قدیمی‌های محله بالاستناد به گفته‌های پدرانشان بر این‌میان تعریف می‌کنند، در بالای برجک یا همان کبوترخانه منبع آبی هم بوده که اهالی و لب‌تشته‌های گذری و راننده‌ها برای تأمین آب آشامیدنی از آن استفاده می‌کردند. نمای این برجک قبلاً سیمانی بوده است، اما چند سالی است که به همت شهرداری مرمت شده و به این شکل در آمده است.

اگر اهل محل باشی که هیچ، اما اگر به هر دلیلی گذرتان به علی‌آباد افتاده باشد نام سلسازای به نام «لانه کبوتر» یا «کبوترخانه» را می‌شنوید که امروز دیگر به نمادی در محله تبدیل شده است، ولی برخلاف تصور از آشیانه و انبوه کبوترها بر فراز آن خبری نیست. اما این برجک از چه زمانی و با چه هدفی وسط محله علی‌آباد سبز شده است؟ به گفته اهل محل زمان ساخت این برجک برمی‌گردد به بیش از ۸۰ تا ۸۵ سال پیش که همین محدوده محل پرداخت عوارض شهری به سبک و سیاق روزگار قدیم بوده است. یعنی آن زمان هر نوع وسیله نقلیه از گاری و درشکه و ماشین‌هایی که برای حمل‌ونقل انواع بار مثل سبزی، صیفی،